

دو جریان موجود در فوتبال و اهداف متفاوت آنها

چرا فوتبال ما به وضعیت فعلی دچار شده است؟ به چه دلیلی این رشته پرطرفدار در استانی که قهرمانان بزرگ و فوتبالیست های نامداری را در دامان خود پرورش داده است به بیماری صعب العلاجی مبتلا شده است؟ آیا حق فوتبال اردبیل این

است که طرفدارانش دل خون و افسرده حال باشند و فقط به روزهای خوش گذشته دل خوش کنند و هر از گاه به آمارهای ارایه شده گوش بدهند و اجازه اظهار نظر و تحلیل گفته ها و سوال از دست اندرکاران را نداشته باشند؟ چه بر سر فوتبال ما آمده است که اگر منصفانه به وضعیت آن و سرنوشتش در سال های اخیر بنگریم و آنچه بر آن گذشته از نظر بگذرانیم جز آه و افسوس و حسرت کار دیگری نمی توانیم انجام بدهیم.

چرا تاکنون از سوی کسانی که مدعی اند و خود را مردان میدان عمل می دانند و به جز خود و تنی چند از اطرافیان حقی به دیگران قایل نیستند در این ارتباط بررسی دقیق انجام نپذیرفته است؟ اگر بدون هرگونه تعصب و جانبداری به قضایا نگاه ریزبینانه ای داشته باشیم خیلی زود مشخص می شود که در فوتبال ما دو جریان وجود دارد.

دیدگاهی را می توان مشاهده کرد که طرفداران آن دغدغه فوتبال و پیشرفت و توسعه آن در سطح استان را ندارند. آنها قبل از هر چیز به دنبال منافع و جایگاه خودشان هستند و هدفی جز حفظ وضعیت موجود و تداوم شرایط فعلی نداشته و به نوعی در تلاش هستند که جایگاه های در اختیار را انحصاری کرده و به هیچ بنی آدمی حتی اجازه نزدیک شدن به آن را ندهند. صاحبان این دیدگاه و کسانی که در زیر پرچم این قبیل اندیشه ها سینه می زنند به این ورزش زیبا و پرطرفدار به مانند ابزار و وسیله ای می نگرند که توسط آن منافع خود را تامین کرده و هر روز از نظر موقعیت گامی به جلو بردارند و کاری به اهداف کلی فوتبال و به سامان رسیدن آن نداشته باشند.

در مقابل جریان دیگری وجود دارد که فوتبال فکر و دغدغه آنها بوده و هدفی جز پیشرفت و به سامان رسیدن آن نداشته و از بودن در این عرصه به هیچ عنوان به دنبال مسایل مادی و موقعیتی و شغلی نبوده و نیستند.

در فوتبال طرفداران دیدگاه اول بدجوری اسب خود را زین کرده و به

آنچه می خواهند ، می رسند و برای این که گل آلود کردن آب همواره نفع و خواسته آنها را تامین می کند در رسیدن به این هدف از هیچ کوششی دریغ نکرده و استفاده از هر وسیله ای را عین صواب تلقی می کنند.

گروه اول از آن جایکه هدفی جز تامین منافع شخصی و بانندی از حضور در ورزش و فوتبال ندارند به لطایف الحیل و به بهای پسرفت فوتبال و ضربه زدن و خارج کردن آن از دست صاحبان اصلی شان هر روز نقشه جدیدی پیاده کرده و بازار تهمت زنی و بی ادبی را رواج می دهند. با رفتار و حرکات دور از شان یک ورزشکار، حق گویان و طرفداران دیدگاه دوم را مورد حمله قرار می دهند و با آلوده کردن جو و سر و صدا و هیاهو به دنبال منحرف کردن افکار از مسیر اصلی می شوند و در هر برهه ای از زمان زمینه را برای ادامه فعالیت مخرب و منفعت طلبانه خود فراهم می کنند.

تا به کی باید مسوولان و دست اندرکاران شاهد یکه تازی و رفتارهای زننده برخی ها در قالب طرفداری از فوتبال و مدیریت آن باشند. برای پایان دادن به وضعیت موجود و پیاده کردن آنهایی که به ناحق بر اسب مراد سوار شده و چهار نعل به پیش می تازند نقش مدیریت فوتبال مهم و تعیین کننده است.

امور فوتبال در بخش های مختلف باید به دست کسانی سپرده شود که خاک خورده، زحمت کشیده و شناخته شده در این رشته باشند و امتحان خود را در زمینه های مختلف پس داده باشند.

فراهم کردن زمینه برای رشد کسانی که فقط در سایه تملق و حمله به دیگران و زیر پا گذاشتن حرمت ها در اندیشه رسیدن به اوج هستند گناه بزرگی است که متاسفانه آثاری از این قبیل نمونه ها در ورزش و فوتبال ما قابل رویت می باشد.

در فوتبال استان چهره ای مانند بهنام دولت مسوولیتی در هیات داشته و مشغول به کار می باشد. هر چند که در مقطعی بنا به عللی که خود بهتر از همه می داند از همکاری با هیات استان امتناع کرد ولی در حال حاضر او یکی از زحمتکشان فوتبال استان است . احدی نمی تواند نسبت به حضور او در هیات و یا اقداماتش کوچکترین ایرادی را بگیرد چرا که بهنام و بهنام دولت ها صاحبان اصلی فوتبال اردبیل هستند. آنها در تاریخ فوتبال این دیار امتحان داده و آزمون های مختلفی را با موفقیت در همه بخش ها پشت سر گذاشته اند. در هیات فوتبال استان ما باید چهره هایی چون بهنام دولت نه یک نفر که دهها نفر باید مشغول به کار شوند و این هنر مدیریت در فوتبال می تواند باشد که عطای این وقت ها و منفعت طلبان را به لقایشان ببخشند و کار را به دست کاردان ها بسپارند .

اگر مجمع انتخاباتی هیات فوتبال استان برگزار شود و تکلیف مدیریت این رشته مشخص گردد هر کسی که از مجمع رای اعتماد بگیرد باید در ساختار فوتبال استان و پیکر مدیریتی آن خانه تکانی اساسی انجام بدهد، طرحی نو دراندازد و با واقعیت‌ها و گذشته‌ای که بر آن گذشته است صادقانه برخورد کرده و منافع فوتبال را بر همه چیز از جمله رفاقت‌ها، هم‌ولایت‌بودن‌ها و چماق‌دار داشتن ترجیح بدهد. اگر می‌خواهیم که فوتبال اردبیل در مفهوم واقعی سختی‌ها را پست‌سر گذاشته و در فہالیت‌های آن فصل جدیدی گشوده شود، هر فردی که سکاندار فوتبال اسنان در چهار سال آینده می‌شود باید صاحبان دیدگاه دومی که در اول مطلب به آن اشاره شد را مورد تکریم قرار داده و به همکاری دعوت نماید و طرفداران جریان اول را برای نجات اسنان اجازه حضور در متن را ندهد.

در صورت تحقق این امر نیازی به حمایت‌های معنی‌دار فرصت‌طلبان از مدیریت فوتبال و استفاده آنها از هر ابزاری برای تحت‌تاثیر قرار دادن دیگران نخواهد بود. چرا که افکار عمومی بهترین قاضی در تشخیص خدمتگزاران و خائنین به فوتبال و ورزش بوده و همواره فعالان صادق و بی‌ریا را حمایت کرده و زحمات و تلاش آنها را ارج می‌نهند.